

آثار و پیامدهای سیاست فشار حداکثری دونالد ترامپ در قبال جمهوری اسلامی ایران

نصیر جینور^۱

امیر هوشنگ میرکوشش^{۲*}

احسان رازانی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۷/۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۹/۲۸

چکیده

مساله هسته ای جمهوری اسلامی ایران یکی از برجسته ترین مسائل بین المللی در طی دهه گذشته در منطقه خاورمیانه بوده است، این مقاله به آثار سیاست فشار حداکثری دونالد ترامپ، رئیس جمهوری ایالات متحده در طول سالهای ۲۰۱۷ الی ۲۰۲۱، علیه جمهوری اسلامی ایران متمرکز است. ترامپ با خارج کردن ایالات متحده در میانه بهار ۲۰۱۸ از برنامه جامع اقدام مشترک، سیاست موسوم به فشار حداکثری را علیه جمهوری اسلامی ایران اتخاذ کرد، هدف این سیاست وادار کردن ایران به توافقی جدید بود که طبق آن موضوعات بیشتری می بایست ما بین دو دولت ایران و آمریکا حل و فصل می شد. این هدف تا پایان دوره ریاست جمهوری دونالد ترامپ در سال ۲۰۲۱، محقق نشد، اما آثاری در زمینه های سیاسی، اقتصادی که برای ایران به بار آورده است. در این مقاله به روش تبیینی و بر پایه گردآوری داده ها و اطلاعات به شیوه کتابخانه ای به تجزیه و تحلیل این آثار پرداخته می شود.

واژگان کلیدی: سیاست فشار حداکثری، ایالات متحده، جمهوری اسلامی ایران، دونالد ترامپ

۳۱۵



10.22124/wp.2024.24714.3204

فصلنامه علمی سیاست جهانی، دوره دهم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۰، پیاپی ۲۷ (صفحات: ۳۱۵-۳۵۰)

۱. دانشجوی دکتری روابط بین الملل، گروه علوم سیاسی، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران

۲. استادیار گروه علوم سیاسی، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران

* نویسنده مسئول: amkooshesh@gmail.com

۳. استادیار گروه علوم سیاسی، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران

در طول دو دهه گذشته، مساله هسته ای بیش از هر مساله دیگری بر شئون سیاسی و اقتصادی ایران تاثیرگذار بوده است. در ژوئیه ۲۰۱۵، جمهوری اسلامی ایران و گروه ۱+۵ به توافق برنامه جامع اقدام مشترک موسوم به برجام دست یافتند که بر طبق آن، تحریم هایی که در خصوص مساله ای هسته ای از طرف شورای امنیت سازمان ملل متحد و ایالات متحده و نیز در پاره ای از موارد اتحادیه اروپا بر علیه جمهوری اسلامی ایران وضع شده بود در قبال تعدیل فعالیت هسته ای ایران در بازه زمانی معین شده ای تعلیق و لغو می شد، این توافق علاوه بر منتقدانی که در درون ایران داشت، در مقیاس منطقه ای خاورمیانه نیز مورد انتقاد پادشاهی سعودی و رژیم صهیونیستی قرار گرفته بود، در ایالات متحده نیز به عنوان طرف کلیدی توافق برای ایران، برجام به موضوعی در رقابت های سیاسی و مبارزه انتخاباتی برای انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۶ بدل شد، در طول مبارزات انتخاباتی دونالد ترامپ، رقیب خود از حزب دمکرات یعنی هیلاری کلینتون و حامیان او در میان مقامات سیاسی کشور را مورد انتقاد قرار می داد که به توافق برنامه اقدام جامع مشترک تن داده و میلیاردها دلار از این طریق نصیب جمهوری اسلامی ایران شده است. دونالد ترامپ در نوامبر ۲۰۱۶ برنده انتخابات ریاست جمهوری شد و همان طور که وعده داده بود پس از پیروزی در هشتم ماه می ۲۰۱۸، در مقام ریاست جمهوری به طور رسمی ایالات متحده را از برجام خارج کرد و تحریم های ثانویه ای را که در پی برجام به حالت تعلیق درآمده بود دگر بار بر علیه جمهوری اسلامی ایران به اجر گذاشت، علاوه بر آن تا پایان دوره ریاست جمهوری ترامپ در آن دوره، ایالات متحده در موضوعات گوناگونی جمهوری اسلامی ایران را تحریم کرد و از جمله این که سپاه پاسداران را سازمانی تروریستی اعلام کرد، این موارد بخشی از چیزی است که ترامپ آن را سیاست فشار حداکثری بر علیه جمهوری اسلامی ایران می خواند، هدف اعلانی این سیاست مذاکراتی جدید با تهران بود که به توافقی با حوزه شمول بیشتر از جمله مشتمل بر موضوعات سیاست خارجی ایران در گستره خاورمیانه منجر گردد، در پاسخ به آن جمهوری اسلامی ایران از مذاکره با ایالات متحده در این باره امتناع کرد و سپس فعالیت های هسته ای را به شیوه ای ادامه داده است که قابلیت هایی



بیش از آنچه در برجام برای ایران شناسایی شده بود بدست آورده است، اما در دیگر زمینه ها از جمله روابط خارجی و اقتصاد داخلی داخلی ایران، سیاست فشار حداکثری چه آثاری به بار آورده است؟ این مقاله در جستجوی آثار سیاست فشار حداکثری بر علیه جمهوری اسلامی ایران در زمینه های اقتصادی و سیاسی است.

۱. چارچوب نظری؛ سطوح تحلیل در سیاست خارجی

مروری بر تاریخچه مطالعات سیاست خارجی حاکی از آن است که می توان نظریه های سیاست خارجی را در درون سه رهیافت متدولوژیک کلان، خرد و مختلط (میانبرد) دسته بندی کرد:

۱- رهیافت کلان: این رهیافت به کل نظام بین الملل اشاره دارد. نویسندگانی که در این سطح تحلیل قرار می گیرند بر مفاهیم، مفروضه ها و قضایای تجربیدی توجه داشته و بر تاثیر ساختار نظام بین الملل بر سیاست خارجی کشورها تاکید می کنند. به عبارت دیگر، رفتار کشورها در صحنه خارجی تحت تاثیر ورودی هایی از نظام بین الملل قرار می گیرد که به طور جبری بر رفتار خارجی کشورها تاثیر می گذارد. از این رو، کنشگران (دولتها) نه تنها از نظر نوع کارکرد و رفتار خارجی تفاوتی با یکدیگر ندارند، بلکه همگی در پی حفظ امنیت و پیشینه سازی قدرت می باشند. از این نظر، نظام ارزشی و پوشش های داخلی بازیگران در رفتار سیاست خارجی شان نقش ناچیز دارد (سیف زاده، الف، ۱۳۸۴: ۱۳۰). مهم ترین نظریه ای که در این رهیافت قرار می گیرد، نظریه رئالیسم ساختاری کنث والتز است (Waltz, 1979: 81-82).

۲- رهیافت خرد: نویسندگان این رهیافت بر تاثیر ساختار داخلی کشورها بر رفتار خارجی آنها تاکید می کنند. به اعتقاد آنها وجود تفاوت در رفتار کشورها حاکی از اهمیت ساختار داخلی است. از این منظر، عملکرد و رفتار خارجی کشورها از یک طرف، تابع مقتضیات داخلی و محیط استقرار هر واحد خاص جغرافیایی است و از طرف دیگر، تحت تاثیر شخصیت تصمیم گیرندگان، محیط اجتماعی و چانه زنی های بورکراتیک و سازمانی و سازمانی در سطح داخلی جامعه است. به عبارت دیگر، نویسندگان این رهیافت در پی گشودن جعبه سیاه دولت هستند. از مهم ترین نویسندگان این رهیافت می توان به هارلد ومارگارت اسپورت، ریچارد اسنایدر، اچ دبلیو بروک،

برتون سایپن، گراهام الیسون و هالپرین اشاره کرد (Sprout, 1957; Alison and Halperin, 1972; Snyder, Bruck and Sapin, 1963).

۳- رهیافت مختلط یا میانبرد (ترکیب دو سطح تحلیل): نویسندگان این رهیافت در پی استفاده از هر دو سطح تحلیل خرد و کلان برای تجزیه و تحلیل سیاست خارجی هستند. از جمله نویسندگان این رهیافت می‌توان به «جیمز روزنا» اشاره کرد. وی با نوشتن مقاله‌ای تحت عنوان «پیش‌نظریه سیاست خارجی» زمینه اتصال دو سطح تحلیل را فراهم آورد. به اعتقاد روزنا تحلیل گرانی شایسته وجود دارند که مجموعه‌ای وسیع از فرایندهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و روانشناسانه را کشف کرده‌اند که تأثیری قابل توجه (محدودیت ساز و توانمند ساز) بر رفتار جوامع دارد؛ اما معرفی فرایندهایی را که بر رفتار خارجی تأثیر می‌گذارند، تبیین نمی‌کند. شناسایی این که چه عواملی در سطوح داخلی و خارجی به سیاست خارجی شکل می‌دهند، نشان نمی‌دهد که تحت چه شرایطی، کدام دسته از عوامل بر دسته دیگر غالب می‌شود؛ این مساله‌ای است که به آن توجه لازم نشده است. از نظر روزنا بندرت کتاب و مقاله‌ای وجود دارد که از توصیف صرف فاکتورهای داخلی فراتر رفته و آنها را در فرایند تعامل جهت تبیین سیاست خارجی قرار دهد (Rosenau, 1971: 98-99). روزنا دلیل این امر را فقدان نظام فراگیر جامع از «آزمون قابل تعمیم» می‌داند که با جوامع به عنوان کنشگرانی رفتار کند که واکنش‌های بیرونی نشان می‌دهند. این حوزه مطالعاتی نه تنها فاقد چارچوبها و رهیافت‌هایی است که فراتر از جوامع خاص باشد و بتواند اهداف، ابزارها، توانمندی‌ها و منابع سیاست خارجی را مفهوم‌سازی کند، بلکه فاقد هر گونه طرحی است که بین آن اجزاء و رفتار خارجی در حالت علی پیوند برقرار نماید. به اعتقاد وی رفتار خارجی کشورها تحت تأثیر پنج عامل است:

۱- فرد: نخستین مجموعه شامل خصوصیات منحصر به فرد تصمیم‌گیرندگان می‌شود. کسانی که تصمیم‌گیرنده هستند و سیاست‌ها را به اجرا در می‌آورند. این متغیر، همه جنبه‌های تصمیم‌گیرنده یعنی ارزش‌ها، استعدادها و تجربیات پیشین فرد را شامل می‌شود که گزینه‌های سیاست خارجی و یا رفتار او را از دیگر تصمیم‌گیرندگان متمایز می‌کند.

نمایش صفات ذاتی و اکتسابی افراد در عملکرد آنان آشکار است. این فرایند از یک ماتریس پیچیده مرکب از عوامل ژنتیکی و یادگیری های تجربی پدید می آید و الگوی متمایز افراد از ادراک، احساس، تفکر، مقابله و رفتار را شامل می شود (Immelman, 2017: 2-4).

۲- نقش: مجموعه دوم از متغیرهای مربوط به رفتار خارجی، از نقشی که تمیم گیرنده اشغال می کند ناشی می شود؛ بودن توجه به اینکه که صاحب منصبان نقش چه خصوصیات شخصیتی دارند.

۳- متغیرهای حکومتی: به آن جنبه هایی از ساختار حکومتی اشاره می کند که گزینه های سیاست خارجی را محدود می سازد یا افزایش می دهد، تاثیر رابطه قوه مجریه و قوه مقننه در سیاست خارجی نمونه ای از عملیاتی شدن متغیر حکومتی است.

۴- متغیر جامعه: به آن دسته از جنبه های غیر حکومتی اشاره دارد که بر رفتار خارجی تاثیر می گذارد. جهت گیری های ارزشی عمده جامعه، میزان وحدت ملی و میزان صنعتی شدن، متغیرهای هستند که در تعیین محتوای آرمانها و سیاست خارجی کشور مشارکت دارند.

۵- متغیرهای محیطی: شامل جنبه های غیر انسانی محیط خارجی یا هر کنشی است که در خارج روی می دهد و گزینه های سیاست خارجی تصمیم گیرندگان را مشروط می کند و تحت تاثیر قرار می دهند. واقعیت های جغرافیایی و چالش های ایدئولوژیک مهاجمان بالقوه، مثال هایی آشکار هستند از متغیرهای سیستمی که می توانند به تصمیمات و کنش های تصمیم گیران سیاست خارجی شکل دهند (Rosenau, 1971: 108-109).

هدف روزنا از پیش نظریه سیاست خارجی، صرفا بیان متغیرهای دخیل نیست؛ بلکه نشان دادن نقش هر کدام از این متغیرها در فرایند سیاست خارجی کشورهای بزرگ، کوچک، توسعه یافته، توسعه نیافته و جوامع با ساختار اجتماعی باز و بسته، رخنه پذیر و یا رخنه ناپذیر است. به عنوان مثال وی اعتقاد دارد در جوامع بزرگ توسعه یافته به ترتیب متغیرهای نقش، جامعه، حکومت، نظام بین الملل و فرد تاثیر دارند اما در کشورهای کوچک توسعه نیافته، متغیرهای فرد، نظام بین الملل، نقش، حکومت و جامعه تاثیر گذار هستند (Rosenau, 1971: 110). به عبارت دیگر روزنا بر این اعتقاد است

که خصوصیات و رفتار هر واحد سیاسی در هر لحظه ای از زمان محصول سنت فرهنگی و محیط های متغیر داخلی و خارجی است و گزینه ها و دایره انتخاب تصمیم گیرندگان و فعالیت آنها تحت تاثیر هنجارهای فرهنگی، سوابق و سنت های تاریخی، تقاضا ها و درخواست هایی است که از هر دو نظام داخلی و خارجی نشات می گیرد (Rosenau, 1971: 146). به نظر می رسد که مهم ترین متغیر تاثیرگذار در سیاست فشار حداکثری در قبال ایران، متاثر از ویژگی های شخصیتی ترامپ است. دونالد ترامپ خود را فردی شایسته، موفق محترم، با اقتدار و برنده می داند که از عهده ی تمام امور بر می آید. همچنین، ترامپ فردی غیر قابل پیش بینی است یا حداقل سعی می کند این طور باشد، و اتفاقاً در انجام آن نیز موفق بوده است. این همان چیزی است که فهم سیاست خارجی او را برای تحلیل گران دشوار می کند. از دیگر ویژگی های شخصیتی ترامپ داشتن روحیه تهاجمی است، او از مقابله کردن و تلافی لذت می برد. در کنار این ویژگی ها، روحیه جلب توجه کردن و صبوری نیز بر پیچیدگی های شخصیتی ترامپ در حوزه سیاست خارجی از جمله سیاست فشار حداکثری علیه ایران افزوده است.

۳. سیاست فشار حداکثری ترامپ علیه ایران

غالباً محیط کاخ سفید بر رؤسای جمهور تأثیر می گذارد و ویژگی های شخصیتی آن ها را کنترل می کند؛ اما ترامپ از معدود رؤسای جمهور آمریکاست که شخصیتش به گونه ای محرز کاخ سفید را متأثر ساخته است. در واقع او از معدود رؤسای جمهور عصر بین الملل گرایی آمریکاست که سیاست ها و جهت گیری هایش به شدت متأثر از تجارب اجتماعی و به کمترین میزان برخاسته از ظرفیت های روشنفکرانه است (Heritage, 2018: 186). به بیان ایوانز، ترامپ در زمره رؤسای جمهور دارای محبوبیت کم در تاریخ سیاسی ایالات متحده قرار دارد، از ملی گرایی اقتصادی به عنوان یکی از مؤثرترین ابزار ایدئولوژیک خود در کنار نژادپرستی و بیگانه هراسی استفاده کرده است (Evans, 2017).
 1. در دوران ترامپ، آمریکا جایگاهی برای مقررات و هنجارهای بین المللی قائل نبود و با برخورد گزینشی، استانداردهای دوگانه اتخاذ کرد. ترامپ با بی توجهی به آژانس بین المللی انرژی اتمی که بارها پایبندی ایران به برجام را تأیید و بدون توجه به نظر شورای امنیت سازمان ملل که برجام را تصویب کرده بود، در سخنرانی خود در ۱۳ اکتبر

۲۰۱۷ درباره راهبرد جدید خود پیرامون ایران، پایبندی تهران به برجام را تأیید نکرد (Brands, 2018: 13). دونالد ترامپ، رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا، پس از فزاز و نشیب‌های فراوان و طرح مناظرات گسترده در عرصه سیاسی آمریکا، در نهایت در ۸ می ۲۰۱۸ (۲۲ اردیبهشت ۱۳۹۷) با بیانیه‌ای رسمی از توافق هسته‌ای با ایران خارج شد. ترامپ در بیانیه خروج از برجام با تکرار اتهامات به ایران در دوران مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶، توافق هسته‌ای با ایران را "فاجعه‌بارترین" توافق آمریکا معرفی کرد و خواهان بازگشت تحریم‌های هسته‌ای علیه ج.ا.ایران شد (Whitehouse, 2018). با اعلام خروج آمریکا از برجام، بسیاری از منتقدین ترامپ، اقدام وی را تنها به دلایل شخصی و ناشی از خصومت با باراک اوباما تفسیر کردند. با وجود این، سخنرانی مایک پمپئو در بنیاد هریتیج و بیان راهبرد آمریکا در برابر ایران پس از خروج از برجام (Pompeo, 2018) تلاشی برای نشان دادن انسجام فکری دولت ترامپ در برخورد مواجهه با ج.ا.ایران بود. در این سخنرانی، وزیر خارجه آمریکا با تشریح راهبرد دولت ترامپ در برابر ج.ا.ایران پس از خروج از برجام، شروط دوازده-گانه‌ای را برای مذاکره با ایران تعیین کرد. اگرچه این تلاش گامی در راستای تدقیق مسیر راهبردی دولت ترامپ در برابر ج.ا.ایران بود اما از همان ابتدا بسیاری از منتقدین، شروط اعلامی آمریکا را غیر واقع‌بینانه و ناپذیرفتنی از سوی ج.ا.ایران قلمداد کردند. امری که سبب شد دونالد ترامپ و مایک پمپئو نیز از آن عقب نشینی کرده و پیشنهاد مذاکره بدون شرط با ایران را ارائه کنند (Toosi, 2019).

ادبیاتی که ترامپ و کابینه‌اش درقبال پرونده ایران به کار می‌برد، تا حدودی متأثر از گفتمان جورج بوش قرار داشت. بدون تردید، ادبیات به کار برده شده ترامپ و اعضای کابینه‌اش، انعکاس شرایط و حوادثی بود که در کنش‌ها و الگوهای گفتاری دو کشور در جریان بوده است. در این ارتباط، اصلی‌ترین موضوع نگرش ترامپ به توافق هسته‌ای غرب با ایران بود. ترامپ از همان ابتدای مواضع اعلامی خود، نگرش مثبتی به توافق هسته‌ای نداشت و آن را بدترین توافق ممکن تاریخ غرب می‌دانست. همین موضوع میل او را برای برهم زدن نظم موجود بر برجام و سرانجام خروج از آن افزایش داده بود. در کنار این موضوع، دیگر مسائل منطقه‌ای از جمله تحولات سوریه، عراق، لبنان و غیره



شکل جدیدی از منازعات را در روابط دو کشور ایجاد کرد. در نگاه کابینه ترامپ، ایران شریک نامطمئنی برای مشارکت در سیاست بین‌الملل است. به بیانی، نقش هژمون ایران رویکردی هم‌سو با سیاست بین‌الملل نیست و به‌جای آنکه با آن هم‌سو باشد، برخلاف آن است. در بُعد دیگر، ترامپ باور داشت که اهمال او با ما در خنثی‌سازی راهبردهای ایران سبب شده است تهدیدهای ایران نسبت به منافع ملی آمریکا ادامه یابد. در این زمینه، اقدامات سازمان‌یافته ایران در آزمایش‌های موشکی و نیز رفتارهای مداخله‌جویانه ایران با هدف بی‌ثبات کردن منطقه، از اقدامات تهدیدزای ایران است که مقامات غرب و به‌ویژه جمهوری خواهان آمریکا به خطرهای آن هشدار داده بودند (Helleiner, 2021: 224-225). از همان ابتدا، انتخاب مایکل فلین مشاور امنیت ترامپ و جیمز متیوس به‌عنوان سکاتر و وزارت دفاع نشان داد که آنان راهبردهای تهاجمی را در مواجهه با ایران به‌کار خواهند گرفت. در نگاه این دو، ایران به‌دنبال تضعیف جایگاه آمریکا در حوزه‌هایی است که آمریکا در آن منافع حیاتی دارد. این موضع انعکاس تمایل گروه‌هایی در آمریکا است که به دلایل ایدئولوژیک و راهبردی در پی تغییر در معادله وضع موجود هستند. بنابراین جهت بی‌اثر کردن اقدامات ایدئایی ایران، باید زمینه برای تهدیدات و به‌ویژه حمله و هجوم نظامی علیه ایران فراهم شود. یکی از نمودهای این تقابل و تلاش برای کاهش تهدیدات ایران در منطقه علیه آمریکا، ترور قاسم سلیمانی، فرمانده وقت نیروی سپاه قدس در ۱۳ دی ۱۳۹۸ بود؛ اما راهبرد مهار و بازدارندگی جمهوری خواهان و کابینه ضدایرانی ترامپ در کنار مهار و بازدارندگی راهبردی، بیشتر بر مهار اقتصادی تأکید می‌کرد. مهار اقتصادی ایران از سوی جمهوری خواهان در قالب تحریم‌های اقتصادی دیده می‌شد؛ زیرا آنان باور داشتند که سیاست تحریم، اصلی‌ترین نماد بازدارندگی اقتصادی است. شواهد نشان می‌دهد کاهش قدرت اقتصادی ایران مطلوبیت بیشتری را برای آمریکا ایجاد خواهد کرد. این مسئله به‌معنای نماد محدودیت‌های غیرمستقیم برای افزایش قدرت ملی ایران است (Shlaim, 2020: 3-4).

صرف‌نظر از اقدام وزارت خارجه آمریکا در ترسیم مسیر راهبردی دولت ترامپ در برخورد با موضوع هسته‌ای ایران، اظهارات و دیدگاه‌های جان بولتون مشاور امنیت ملی آمریکا بیش از همه، زوایای پنهان راهبرد دولت ترامپ را آشکار می‌کند. جان بولتون که

به داشتن دیدگاه‌های افراطی و رادیکال در برابر ایران شهره است و بیش از این خواهان بمباران ایران برای جلوگیری از دستیابی این کشور به سلاح هسته‌ای شده بود، در تاریخ ۲۸ اوت ۲۰۱۷ (۵ شهریور ۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «لغو توافق با ایران: مسیر رو به جلو» که در سایت "نشنال ریویو"^۱ منتشر شد ضمن حمایت از خروج آمریکا از برجام پیشنهاداتی را به دولت ترامپ ارائه می‌کند (Bolton, 2017, 4).

با بررسی استدلال‌ها و پیشنهادات ارائه شده در این مقاله به خوبی می‌توان دریافت که اقدامات انجام شده از سوی دولت ترامپ پس از خروج از برجام تا چه میزان بر اساس طرحی از پیش تعیین شده بوده است. در این مقاله، بولتون بیش از همه بر ضرورت فشار به ج.ا.ایران برای بازگشت به مذاکره و "استنباط نیت واقعی" این کشور از پیگیری برنامه هسته‌ای تأکید کرده است. تمعق در جزئیات این مقاله و تطبیق آن با اقدامات دولت ترامپ در برابر ج.ا.ایران پس از خروج از برجام، گواهی بر وجود یک راهبرد ترکیبی برای تسلیم کردن ج.ا.ایران است. در ادامه گام‌های عملی آمریکا را بر اساس راهبرد جنگ ترکیبی، ارزیابی خواهیم کرد.

پس از اعلام خروج از برجام، مهمترین اقدام دولت ترامپ در پیشبرد جنگ ترکیبی علیه ج.ا.ایران، تحمیل تحریم‌های شدید اقتصادی بود. هدف از اعمال این تحریم‌ها از نظرگاه مقامات دولت ترامپ، قطع منابع درآمدی ایران و از این مسیر، بازداشتن ج.ا.ایران از پیگیری سیاست‌های منطقه‌ای و برنامه موشکی بود. واقع امر آن است که دولت ترامپ، تحریم‌های اقتصادی را کارآمدترین اهرم فشار برای مقابله با آنچه "رفتارهای مخرب"^۲ ج.ا.ایران می‌نامد، در نظر گرفته است (Gilsinan, 2019). کارآمدی تحریم‌های اقتصادی و پیامدهای آن بر رفتارهای ج.ا.ایران، شالوده سیاست فشار حداکثری دولت ترامپ علیه ج.ا.ایران را شکل می‌دهد. بدین سبب، ترامپ با اعلام خروج از برجام، در قالب فرآیند زمانی مشخص، تحریم‌هایی را علیه صادرات نفت، صنایع پتروشیمی، صنایع فولاد و... ج.ا.ایران، اعمال کرد (Tharoor, 2019). اگرچه تحریم صادرات نفت به عنوان عمده‌ترین منبع تأمین کننده درآمدهای ج.ا.ایران، بخش مهمی از نظام تحریمی دولت ترامپ

¹ National Review

² Malign Behavior

را تشکیل می‌داد، با وجود این، تحریم نظام مالی ایران به عنوان عنصر قوام بخش دور جدید تحریم‌ها، از سوی نهادهای مختلف به دولت ترامپ پیشنهاد شد (Phillips, 2018). هدف نهایی دولت ترامپ از اعمال تحریم‌های اقتصادی، بازگرداندن ج.ا.ایران به میز مذاکره و انجام توافق جامع با این کشور است. با التفات به چنین هدفی، مشاوران دولت ترامپ بر این باورند که پیش از انجام هر مذاکره‌ای، ج.ا.ایران باید از منابع درآمدی خود محروم شود. به باور اعضای تندرو دولت ترامپ، "کنشگران بد برای انجام رفتارهای بد به پول نیاز دارند"، بدین سبب، برای تغییر رفتارهای ایران و ممانعت از اقدامات "بی‌ثبات‌ساز" این کشور در منطقه و سطح جهان، باید منابع درآمدی این کشور قطع شود (Gilsinan, 2019). "بنیاد دفاع از دموکراسی"^۱ که از مهمترین نهادهای حامی سیاست فشار حداکثری ترامپ علیه ج.ا.ایران است، تحریم‌های اقتصادی را مهمترین ابزار برای وادار کردن رهبران ایران برای بازگشت به میز مذاکره می‌داند و در پیشنهادات خود به دولت ترامپ خواهان حفظ تحریم‌های اقتصادی حتی در زمان انجام مذاکرات است (Dobowitz & Gerech & Ben Taleblu, 2019: 5). حامیان سیاست فشار حداکثری، اثرگذاری تحریم‌های اقتصادی برای تغییر در رفتارهای ج.ا.ایران را بلند مدت می‌دانند و به همین سبب خواهان صبر دولت ترامپ در اجرای این سیاست و تداوم آن می‌باشند (Hannah, 2019).

بدین سان، اعمال تحریم‌ها، قوام بخش وجه اقتصادی جنگ ترکیبی دولت ترامپ علیه ج.ا.ایران است. نکته مهم در اجرای این تحریم‌ها این است که دولت ترامپ برخلاف دولت اوباما، کنار گذاشتن تحریم‌ها را به عنوان مسیری برای بازگشت به میز مذاکره در نظر نمی‌گیرد، بلکه تحریم بخشی از راهبرد دولت ترامپ برای وادار کردن ایران به انتخاب میز مذاکره است (Toosi and Lippman, 2019) امری که بسیاری از منتقدین دولت ترامپ، در فرجام آن ابراز تردید کرده و بسیاری دیگر نیز آن را راهبردی شکست خورده توصیف می‌کنند (Clemenceau, 2019).

¹ Foundation for Defense of Democracies(FDD)

۴. پیامدهای سیاست فشار حداکثری ترامپ علیه ایران

۴-۱.. پیامدهای سیاسی

۴-۱-۱. تنش در مناسبات ایران و اتحادیه اروپا

در شب خروج دولت آمریکا از توافق برجام حسن روحانی رئیس‌جمهور ایران اعلام کرد از این پس توافق بین ۵ کشور برقرار است و در صورت عمل به تعهدات و تامین منافع کشور به توافق پایبند خواهد ماند. روحانی به وزارت خارجه دستور داد تا مذاکرات با ۵ کشور باقی‌مانده را ادامه دهد. پس از انعقاد توافق شرکت‌های اروپایی بسیاری وارد بازار ایران شدند و به تبع آن خروج آمریکا برجام باعث شد تا تعداد کثیری از شرکت‌ها به دلیل مناسبات گسترده با آمریکا علیرغم اینکه تحریم‌های بین‌المللی و سازمان ملل درکار نبود همکاری با ایران را قطع کنند (شبکه خبر جمهوری اسلامی ایران ۱۳۹۷) به فاصله چهار روز بعد از خروج آمریکا از برجام سفرهای ظریف شروع شد، بروکسل پس از پکن و مسکو سومین مقصد برجامی جواد ظریف بود. در این سفر نشست وزیر خارجه ایران با «فدریکا موگرینی» مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا و وزرای خارجه تروئیکای اروپایی انگلیس، فرانسه و آلمان برگزار شد. پس از آن دو نشست دیگر در وین و نیویورک برگزار شد و ماحصل این جلسات سه بیانیه ۹، ۱۰ و ۱۲ بندی بود. این بیانیه‌ها شامل تعهدات کشورهای اروپایی حاضر در برجام به ایران بود که در نتیجه آن ایران بتواند از منافع حاصل از برجام بهره‌مند شود این تعهدات به طور خلاصه از این قرار بود: حفظ و ارتقای روابط گسترده‌تر اقتصادی در حوزه‌های مختلف با ایران، حفظ و استمرار کانال‌های موثر مالی برای تعامل با ایران، تداوم صادرات نفت و میعانات گازی، محصولات نفتی و پتروشیمی، تداوم روابط حمل و نقل دریایی (از جمله کشتیرانی و بیمه)، زمینی، هوایی و ریلی، تقویت پوشش‌های اعتبار صادراتی، حمایت روشن و موثر از کنشگران اقتصادی که با ایران تجارت می‌کنند، به‌ویژه شرکت‌های کوچک و متوسط که شاکله اصلی بسیاری از اقتصادها محسوب می‌شوند؛ تشویق سرمایه‌گذاری‌های بیشتر در ایران، حمایت از کنشگران اقتصادی در سرمایه‌گذاری‌ها و دیگر فعالیت‌های تجاری و مالی که در رابطه با ایران انجام می‌دهند،

گرد هم آوردن کارشناسان بخش دولتی و خصوصی، از جمله از طریق تقویت شوراهای تجاری، حمایت عملی از تجارت و سرمایه‌گذاری در ایران ، حمایت از شرکت‌ها در برابر آثار فراسرزیمینی تحریم‌های آمریکا (دیپلماسی ایرانی (۱۳۹۸)

الف؛ اینستکس

پس از گذشت حدود ۹ ماه از خروج دولت ترامپ از برجام این تعهدات محقق نشد و تنها از سازوکاری به نام «اینستکس»^۱ یا «ابزار پشتیبان مبادلات تجاری» را در بهمن ۱۳۹۷/ ژانویه ۲۰۱۹ رسماً ثبت شد. نهاد متناظر ایرانی آن نیز دوم اردیبهشت ۱۳۹۸/ آوریل ۲۰۱۹ در تهران به ثبت رسید. کالای مبادلاتی این ابزار در مرحله اول شامل مواد غذایی، دارو و تجهیزات پزشکی بود که مستقیماً در تحریم آمریکا نبودند. همچنین مقرر شد تا کشورهای دیگر نیز به مرور وارد اینستکس شوند (Dowling 2019)

ب؛ بانک سرمایه‌گذاری اروپا

مقامات اتحادیه اروپایی متعاقب اعلام پایبندی ایران به برجام در صورت تامین منافع ایران در جریان سفر حسن روحانی به اتریش و سوئیس یک بسته پیشنهادی به ایران ارائه کردند. یکی از مفاد این بسته همکاری «بانک سرمایه‌گذاری اروپا»^۲ با ایران بود پارلمان اروپا آن را ۱۳ تیر ۱۳۹۷/ ژوئیه ۲۰۱۸ تصویب کرد. از آنجا که بخشی از سهام آن متعلق به اتباع آمریکایی است و تصمیم پارلمان اروپا برای همکاری این بانک یک درخواست غیر الزام آور بود این بانک حاضر به فعالیت در ایران نشد (ایسنا ۱۳۹۷)

پ؛ خط اعتباری ۱۵ میلیاردی

امانوئل ماکرون رئیس‌جمهور فرانسه پس از خروج آمریکا ضمن تلاش برای میانجیگری در راستای کاهش تنش بین ایران و آمریکا، سعی کرد تا با ارائه طرح راه‌اندازی خط اعتباری ۱۵ میلیارد دلاری با ضمانت پول نفت ایران

^۱ Instrument in Support of Trade Exchanges (INSTEX)

^۲ European Investment Bank

خواسته ایران مبنی بر تامین منافع را محقق سازد. در این طرح مقرر شد این موضوع مشروط به عدم تهدید امنیت خلیج فارس و عدم ممانعت از دریانوردی، تعهد به گفت‌وگوهای منطقه‌ای خاورمیانه‌ای آینده و لغو گام‌هایی بود که ایران یک‌سال پس از خروج واشنگتن از برجام در راستای کاهش تعهدات هسته‌ای خود بر اساس بندهای ۲۶ و ۳۶ برجام برداشته بود، عملی شود (Banco and Suebsaeng 2019) در نهایت پیشنهاد فرانسه مبنی بر اعطای خط اعتباری ۱۵ میلیارد دلاری به ایران منوط به اجازه آمریکا شد و معلق باقی ماند

(Irish and Hafez.2019)

علاوه بر محقق نشدن وعده‌های اقتصادی اروپا در این مدت برخی حوادث با درون مایه سیاسی باعث نارضایتی بیشتر ایران از کشورهای اروپایی شد و نحوه تعامل ایران با اروپا را بیشتر تحت تاثیر قرار داد:

ت؛ تاخیر در راه اندازی و ناکافی بودن خدمات اینستکس

تعطل در عملیاتی شدن سازوکار موسوم به اینستکس ابهام در سرنوشت آن و ناتوانی اروپا در تامین منافع و تحقق تعهدات منجر به نارضایتی ایران از اروپا شد. در همین راستا شورای عالی امنیت ملی با صدور بیانیه‌ای خطاب به کشورهای عضو برجام با تاکید بر حقوق جمهوری اسلامی ایران مندرج در بندهای ۲۶ و ۳۶ برجام، از ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۸ اعلام کرد برخی تعهدات خود در توافق برجام را متوقف می‌کند. همچنین به کشورهای باقیمانده در برجام ۶۰ روز برای اجرای تعهدات خود بویژه در حوزه‌های بانکی و نفتی فرصت داده شد.

(ایسنا ۱۳۹۸)

پس از صدور بیانیه شورای عالی امنیت ملی، سه کشور آلمان، بریتانیا و فرانسه و فدریکا موگرینی مسئول سیاست خارجه اتحادیه اروپا ضرب‌الاجل ۶۰ روزه ایران برای فروش نفت و امورات بانکی را رد و اعلام کردند به تعهدات خود، از جمله تلاش برای رفع تحریم‌های ایران وفادارند (دویچه‌وله فارسی ۱۳۹۸). در گام نخست، ایران ابتدا ذخایر اورانیوم خود را به بالای ۳۰۰ کیلو سقف تعیین شده در برجام رساند. سپس در گام

بعدی سطح غنی‌سازی اورانیوم را از ۳.۶۷ درصد که برجام مجاز دانسته بود به ۴.۵ درصد افزایش داد. در گام سوم هم با دستور ریاست جمهوری محدودیت‌های زمانبندی تحقیق و توسعه لغو شد. این محدودیت‌های ۸ تا ۱۵ ساله در حوزه تحقیق و توسعه در ضمیمه یک توافق هسته‌ای به تفصیل آمده است.^۱ پس از این اقدام ایران، روزنامه «گاردین» از ارسال پیام خصوصی هشدار به ایران خبر داد. طبق این پیام چنانچه ایران گام چهارم کاهش تعهدات برجامی خود را در ماه نوامبر بر دارد اتحادیه اروپا چاره‌ای جز خروج از برجام نخواهد داشت.

ث؛ اعمال تحریم اتحادیه اروپا ایران را بر سر اتهام ترور

موضوع بمب‌گذاری در گردهمایی سازمان مجاهدین چالش دیگر در روابط ایران و اروپا بود. وزارت امور خارجه فرانسه اتهام دست داشتن وزارت اطلاعات ایران در طرح لورفته بمب‌گذاری در اجتماع گروه مجاهدین (با حضور جولیان وکیل ترامپ) در تیر ۱۳۹۷/ژوئن ۲۰۱۸ در پاریس مطرح نمود. متعاقب این رخداد، دولت فرانسه اموال و دارایی‌های وزارت اطلاعات و دو دیپلمات ایران را به مدت شش ماه مسدود و یک واحد اطلاعاتی ایران را در لیست سازمان‌های تروریستی قرار داد (Gronholt-Pedersen, Emmott and Deutsch 2019). پس از این رویداد مقامات دولت بلژیک از دستگیری یک دیپلمات ایرانی و چند فرد دیگر در رابطه با بمب‌گذاری خبر دادند. سپس اعلام شد بازداشت این دیپلمات در خاک آلمان انجام شده و فرد بازداشت شده از دیپلمات‌های سفارت ایران در اتریش بوده است. پس از چندی دولت دانمارک اتهام مشابهی مبنی بر مشارکت دستگاه اطلاعاتی ایران در تلاش برای ترور رهبر یک گروه جدایی طلب عرب مطرح کرد (Bartunek and Irish 2018) و سفیرش را از تهران فرا خواند و پرونده را به اتحادیه اروپا ارجاع داد. در جلسه وزرای خارجه کشورهای اتحادیه اروپا هم مقرر شد تحریم‌های اقتصادی علیه اتباع ایرانی دخیل در پرونده ترور دانمارک و فرانسه بر وزارت اطلاعات را اعمال کنند.

پس از این اتفاق، دولت هلند در نامه‌ای پارلمان ایران را به مشارکت در دو فقره قتل در سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۷ در این کشور متهم کرد. یکی از این قتل‌ها در سال ۲۰۱۵ در

¹ <https://www.mashreghnews.ir/news/990265>

شهر «آلمیره» و قتل دیگر در سال ۲۰۱۷ احمد نیسی که یکی از رهبران سازمان «جنبش آزادیبخش الاحواز»، از گروه‌های جدایی طلب بود، در شهر لاهه به قتل رسید Pedersen (Gronholt-, Emmott and Deutsch 2019) این موضوع باعث شد وزارت خارجه ایران سفیران فرانسه و بلژیک و کاردار سفارت آلمان در تهران را در اعتراض به دستگیری دیپلمات ایرانی در آلمان احضار کند.^۱ تنش‌های مربوط به این رخداد تا حدی بود که در جلسه دیپلمات‌های فرانسه، بریتانیا، آلمان، دانمارک، هلند و بلژیک با همتایان ایرانی در تهران، آزمایش‌های موشک‌های بالستیک و برنامه‌ریزی عملیات تروریستی در خاک اروپا مطرح شد. دیپلمات‌های ایرانی با عصبانیت و برهم کوبیدن در محل، جلسه را ترک کردند. خبرگزاری رویترز این برخورد اروپا را «حرکت پاورچین به سوی ترامپ» تعبیر کرد (Emmott and Irish 2019)

ج؛ توقیف نفتکش ایرانی توسط نیروی دریایی بریتانیا

در تیر ۱۳۹۸ / ژوئیه ۲۰۱۹ مقامات منطقه جبل الطارق و نیروی دریایی سلطنتی بریتانیا یک نفتکش حامل نفت ایران را در تنگه جبل الطارق توقیف کرد. دولت محلی جبل الطارق طی بیانیه‌ای بر اساس اطلاعات «رفینیتیو ایکون»^۲ و بسایت ردگیری مسیر کشتیهای نفتکش گریس ۱ را به مقصد پالایشگاه «بانیاس»^۳ که به سمت سوریه در حرکت بوده اعلام کرد. خدمه کشتی درباره مقصد و محموله کشتی مورد بازجویی و تحقیق قرار گرفتند و مدت زمان توقیف یکبار تمدید شد. نخستین واکنش ایران به این رویداد احضار سفیر انگلیس بود. این اتفاق اعتراض شدید رهبران ایران را در پی داشت «دزدی دریایی» تلقی شد و اعلام شد مقصد کشتی سوریه نبوده است. بلافاصله پس از این بیانیه «جان بولتون» مشاور امنیت ملی آمریکا در صفحه شخصی توئیتر نوشت: «ایالات متحده و متحدانش به جلوگیری از منفعت بردن رژیم های تهران و دمشق از این تجارت غیرقانونی ادامه خواهند داد.» (ایرنا ۱۳۹۸) حدود ده روز پس از این رخدادها «خبرگزاری جمهوری اسلامی» در مقاله‌ای به نقل از روزنامه اسپانیایی «الپایس»^۴ نوشت که ایالات متحده در این عملیات سری به جای مادرید، لندن را به

^۱ <https://www.dw.com/fa-ir/iran/a-44533959>

^۲ Refinitiv Eikon

^۳ Baniyas Refinery

^۴ El País daily newspaper

عنوان شریک خود انتخاب کرد. علت آن بود که محدوده توقیف کشتی در آب‌های مورد اختلاف اسپانیا و بریتانیا بود (ایرنا ۱۳۹۸). در واقع درخواست آمریکا از بریتانیا برای توقیف به بهانه تحریم‌های اعمالی علیه سوریه به عنوان مقصد محموله نفتی صورت گرفته بود (ایرنا ۱۳۹۸).

۴-۱-۲. برجسته تر شدن نگاه به شرق در روابط خارجی ایران

پس از خروج دولت ترامپ از توافق هسته‌ای و اعمال مجدد تحریم‌ها علیه ایران، رویکرد نگاه به شرق با هدف بهره‌گیری از ظرفیت‌های کشورهای قدرتمند غیرغربی روسیه، چین و هند به منظور کاستن از پیامدهای تحریم‌های یکجانبه به شکلی فعالانه دنبال شده و رفت‌آمدهای دیپلماتیک بین مقامات عالی‌رتبه پس از اردیبهشت ۱۳۹۷ و به ویژه در پی ناراضی‌تبی ایران از کشورهای اروپایی در تامین منافع تجارت با ایران، افزایش قابل ملاحظه‌ای یافت. در پی رویکرد شرق‌گرایانه تلاش برای توسعه روابط سیاسی و اقتصادی ایران با روسیه، چین و هند شتاب گرفت. پس از خروج آمریکا از توافق هسته‌ای، در کنار اروپا، چین، روسیه و هند مقاصد اصلی وزیر خارجه ایران برای تضمین منافع و نجات توافق اتمی بود. هرچند تحریم‌های یکجانبه دولت دونالد ترامپ بر روابط ایران با قدرت‌های شرقی نیز سایه افکنده بود.

روابط با چین

با خروج آمریکا از برجام «نگاه به چین» به عنوان یکی از کشورهای طرف در توافق اتمی با هدف کسب اطمینان از حفظ سطح روابط و بی‌اثرساختن تبعات خروج آمریکا به صورت جدی‌تری پیگیری و رفت‌آمدهای دیپلماتیک با شدت بیشتری نسبت به قبل و حتی در مقایسه با دیگر کشورها دنبال شد. به طور مثال در اینجا به برخی ملاقات‌های مقامات سطح بالا پس از ترک توافق صورت گرفت، اشاره می‌شود:

اردیبهشت ۱۳۹۷ / می ۲۰۱۸ سفر ظریف به پکن با هدف رایزنی درباره برجام و تضمین حقوق ایران، خرداد ۱۳۹۷ / ژوئن ۲۰۱۸ سفر رئیس‌جمهور روحانی برای شرکت در اجلاس سران سازمان همکاری‌های شانگهای (تسنیم ۱۳۹۷)، شهریور ۱۳۹۷ / سپتامبر ۲۰۱۸ سفر امیر سرتیپ حاتمی وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح به چین؛ درباره مسائل نظامی، کشتیرانی و همچنین فضانوردی بود، اسفند ۱۳۹۷ / فوریه ۲۰۱۹

سفر «علی لاریجانی» به چین با هدف گسترش پیوندهای اقتصادی و استراتژیک این ترافیک کم سابقه دیپلماتیک و برگزاری نشست‌هایی «اجلاس دبیران و مشاوران امنیت ملی کشورهای منطقه» از جایگاه با اهمیت چین در سیاست خارجی ایران نشان داشت که تهران به دنبال تحکیم روابط با شرق و جبران خلاء رابطه با غرب بود و در این راستا، تعمیق پیوندها با شرق به خصوص قدرت‌های نوظهور چون چین، روسیه و هند با جدیت دنبال می‌شد. ایران این اقدامات را عامل ایجاد توازن در منطقه و عملی در جهت کاستن از فشارهای آمریکا می‌دانست. اگر روابط دو جانبه در دو حیطه اقتصادی-سیاسی و دفاعی-نظامی تفکیک شود با توجه به سفرهای بلندپایه‌ترین مقامات نظامی ایران به چین و برگزاری مانور مشترک ایران، چین و روسیه در دریای عمان، به نظر می‌رسد چینی‌ها تمایل زیادی به گسترش پیوندهای مشترک دفاعی دارند حال آنکه در روابط سیاسی اقتصادی می‌توان آثار اقدامات دولت آمریکا در رفتار سیاست خارجی چین در قبال تهران در موضوعاتی چون واردات نفت، تجارت و بازسازی راکتور اراک مشاهده نمود.

روابط تجاری

چین در روابط خود با ایران همواره محتاطانه گام برمی داشت. پکن دوره پیشین تحریم‌ها علیه ایران یک بانک ویژه با هدف ادامه مراودات مالی با ایران راه‌اندازی کرد. وزارت خزانه‌داری آمریکا در سال ۲۰۱۲ این بانک را تحریم کرد. اما از آن‌جا که این بانک با کشورهای اروپایی و آمریکا همکاری اقتصادی نداشت، توانست به کار خود ادامه دهد. این کانال ویژه تجاری با عنوان «کونلون بانک» در سال ۲۰۰۹ با سرمایه‌گذاری مستقیم «شرکت ملی نفت چین» ثبت شد.

در ماه‌های ابتدایی سال ۱۳۹۸ خبرهایی از توقف فعالیت بانک چینی کونلون با ایران منتشر شد و این بانک نتوانست بر تعهدات خود در قبال ایران پایبند بماند. روابط کارگزاری ایران با بانک کونلون چین پس از ۲ ماه توقف، در قالب حواله ارزی و اعتبار اسنادی و محدود به کالاها یا خدمات بشردوستانه و غیر تحریمی برای مدتی محدود از سر گرفته شد. در شرایط جدید تراکنش‌های مرتبط با صنایع بخش خودروسازی کشور، محصولات پتروشیمی، بخش انرژی، کشتیرانی، کشتی‌سازی و بنادر ایران و همچنین



کالاهای گرافیت، فلزات خام یا نیمه ساخته مانند فولاد، آلومینیوم، زغال سنگ و نرم افزارهای مربوط به تکمیل فرایندهای صنعتی تحت پوشش قرار نگرفتند (پایگاه خبری اتاق بازرگانی ۱۳۹۷).

موضوع دیگری که چین سعی کرد تا از تحریک آمریکایی‌ها اجتناب کند موضوع عضویت ایران در «سازمان همکاری‌های شانگهای» بود. با وجود حدود یک دهه تلاش ایران برای عضویت کامل تا آن زمان تنها به عنوان عضو ناظر در نشست‌های سازمان همکاری شانگهای شرکت می نمود.

در روابط تجاری حجم تجارت آمریکا و چین حدود ۵۰۰ میلیارد دلار در سال برآورد می شد حال آنکه حداکثر میزان تجارت ایران و چین تقریباً به ۲۰ میلیارد دلار می رسید. در چنین شرایطی، بدیهی است که از هرگونه تنش اقتصادی با ایالات متحده اجتناب کند (ایرنا ۱۳۹۷) در حالی که بالاترین حجم تجارت بین تهران و ترکیه حدود ۳۷ میلیارد بوده که تنها ۰.۸٪ از کل تجارت خارجی این کشور را شامل می شود (مرکز مطالعات ایرانی آنکارا ۱۳۹۷) که این شرایط تحت تاثیر تحریم‌ها به طور قابل توجهی کاهش یافته بود.

حوزه انرژی

بخش مهمی از روابط تهران-پکن به موضوع انرژی اختصاص دارد. تا پیش از اعمال مجدد تحریم‌ها چین بزرگترین خریدار نفت ایران بود. دو شرکت نفتی بزرگ چین «ساینوپک»^۱ و «سی‌ان‌پی‌سی» هم در اکتبر سال ۲۰۱۸ پیش از موعد عملی شدن تحریم‌های نفتی توسط آمریکا، خرید نفت ایران را متوقف کردند. آنها پس از دریافت معافیت خرید نفت ایران از آمریکا در فاصله ماه نوامبر ۲۰۱۸ تا می ۲۰۱۹ به همراه چند کشور بزرگ مشتری نفت ایران در خرید نفت اقدام به بارگیری مجدد نفت ایران نمودند. چین در سه ماهه اول سال ۲۰۱۹، ۴۷۵ هزار بشکه نفت در روز وارد کرد. اما دو پالایشگاه بزرگ دولتی همان شرکت پترو کیمیکال چین (گروه ساینوپک) و شرکت ملی نفت این کشور پس از پایان معافیت های آمریکا هیچ نفتی از ایران بارگیری نکردند.

^۱ Sinopec

همکاری هسته ای

موضوع همکاری‌های هسته‌ای ایران و چین از مسائلی است که به شدت تحت تاثیر تنش‌های ایران و آمریکا قرار دارد. به عنوان نمونه چین در دهه ۹۰ میلادی در اثر فشارهای آمریکا همکاری هسته‌ای با ایران را قطع کرده بود. در آن شرایط نیز چنین رویکردی در رفتار چین در موضوع بازسازی راکتور اراک مشاهده می‌شد.

روسیه

کشور روسیه نیز به عنوان یکی دیگر از عناصر اصلی نگاه به شرق در سیاست خارجی ایران مطرح است. روابط تهران-مسکو رابطه‌ای مستقل نبوده و تحت تاثیر سلسله مراتب نظام بین‌الملل بوده و عامل سوم وجود داشته است. به طور نمونه، این مناسبات در دوره روسیه تزاری متأثر از عامل بریتانیا بود. در دوره جنگ سرد اثرگذاری ایالات متحده آمریکا بر روابط تهران و مسکو مشهود بود. در شرایط آن زمان کاهش در سطح مناسبات روسیه و ایران تحت تاثیر راهبرد فشار حداکثری ایالات متحده قابل ملاحظه بوده و روابط دو جانبه اثرات سوء خود را داشته است (دیپلماسی ایرانی ۱۳۹۸). پس از خروج آمریکا از برجام، مسکو دومین مقصد برجامی وزیر خارجه ایران بود تا با گسترش پیوندها تبعات خروج یکجانبه ایالات متحده به حداقل برسد. دیدارها و رفت و آمدهای مقامات ارشد تهران و مسکو همانند ترافیک دیپلماتیک بین تهران-پکن پس از اردیبهشت ۱۳۹۷ قابل ملاحظه بوده است:

با وجود اینکه ایران به دنبال جایگاه شایسته خود در جغرافیای سیاسی خاورمیانه است حال آنکه روسیه محدوده ای مشخص برای تقویت قدرت ایران در نظر دارد که گسترش آن معادل برهم خوردن موازنه است. مصداق چنین راهبردی در مسامحه روسیه در برابر حملات اسرائیل به اهداف ایرانی در سوریه از طریق اسرائیل قابل توضیح است. چنین راهبردی تحت عنوان ثبات‌سازی فرصت توافق و تعامل مسکو-واشنگتن را در شکل‌دهی به نظم مطلوب منطقه فراهم می‌کند. در واقع این موضوع همان عامل سوم در روابط ایران و روسیه است که سبب تاثیرگذاری بر مناسبات می‌شود (ع. نوری ۱۳۹۸، ۹۴-۹۲) کمی فراتر می‌توان گفت وجود سطح محدودی از تنش میان ایران و غرب و فشار بر تهران نیز مزایای چند بعدی برای مسکو دارد بدین شکل که سبب انحراف



تمرکز آمریکا از روسیه و همچنین اهمیت یافتن مسکو برای واشنگتن در راستای نیاز آمریکا به همراهی روسیه در جهت اعمال فشار موثر بر تهران خواهد شد. ارتقای نقش در همکاری با قدرت‌های منطقه چون ایران، عربستان و اسرائیل و در نهایت موضوع بهای نفت و منافع مرتبط با انرژی منافع احتمالی دیگر روسیه هستند (ع. نوری ۱۳۹۷، ۱۱). در آن شرایط کاهش قدرت اقتصادی ایران ناشی از «فشار حداکثری» ترامپ در روابط تهران-مسکو در جنگ سوریه نمود یافته بود. با وجود اینکه ایران و روسیه خواستار حفظ اسد در قدرت بودند اما اهداف و اولویت‌های استراتژیک کاملاً متفاوتی را دنبال می‌کردند. از سویی ایران سوریه را به عنوان واسطه تثبیت قدرت منطقه‌ای و نزدیکی با اسرائیل به شمار می‌آورد؛ در حالی که روسیه افزایش نفوذ در خاورمیانه و حفظ و گسترش پیوندها با بازیگران منطقه مثل اسرائیل و عربستان را مقدمه افزایش نقش در سطح جهان به حساب می‌آورد. سخن ریابکوف معاون وزیر خارجه روسیه مبنی بر اینکه «روسیه و ایران متحد نیستند؛ فقط با هم در سوریه همکاری دارند... روسیه خود را به تضمین امنیت اسرائیل متعهد می‌داند» و همچنین هماهنگی نیروهای اسرائیلی پیش از بمباران اهداف ایرانی به خوبی این قضیه را روشن می‌ساخت. با وجود اینکه عربستان سعودی و روسیه در حمایت از نیروی درگیر جنگ سوریه اهداف کاملاً متفاوتی را دنبال می‌کردند پوتین کوشید تا ضمن تلطیف موضع کشورهای عربی نسبت به سوریه، به بازگشت این کشور به اتحادیه عرب را هم تسهیل کند. در این فضا حضور کم‌رنگ ایران بیشتر خوشایند اعراب بود (Meyer, Nasser and Arkhipov 2019) ماجرای خرید سیستم موشکی اس-۳۰۰ تعلیق طولانی تحویل این سامانه نمونه تاثیر عامل سوم (ایالات متحده) در این مناسبات بود. حال تحریم‌ها و سیاست فشار ایالات متحده علیه ایران مناسبات اقتصادی، سیاسی و استراتژیک را تحت تاثیر قرار داده است هرچند به نظر می‌رسد روابط نظام در سطح مطلوبی قرار دارد. به طور کلی نشانه‌های تغییر راهبرد و رقابت بر سر منافع استراتژیک و اقتصادی روسیه در قبال ایران پس از خروج آمریکا از توافق ملموس بود.

هند

هند از جمله کشورهای جهان با آهنگ رشد اقتصادی سریع بوده و حفظ این روند در گرو تامین منابع انرژی است این موضوع سبب شده تا در کنار روابط مطلوب سیاسی با ایران، به دومین خریدار نفت ایران تبدیل شود. پس از انعقاد توافق هسته‌ای مسیر بهره‌مندی از ظرفیت‌های این کشور برای ایران هموار شد. تمایل هندی‌ها برای حضور در بازار ایران و زیرساخت‌های حمل و نقل و به طور کلی گسترش روابط اقتصادی سرمایه‌گذاری کلان هند در بندر چابهار را در پی داشت. برای تسهیل مراودات تجاری مجوز گشایش شعب بانک‌های ایرانی و هندی در کشورهای یکدیگر صادر شد (ایرنا ۱۳۹۷). پس از ترک توافق هسته‌ای رفت و آمدهای دیپلماتیک و ملاقات‌های مقامات عالی‌رتبه دو کشور به صورت فشرده‌تری دنبال شد. برخی دیدارهای مهم بدین شرح بود:

روابط تجاری

روابط دهلی-واشنگتن طی سالهای قبل از توافق برجام بهبود یافته و ایالات متحده هندوستان را به عنوان شریک راهبردی برگزیده بود. چنین امری روابط ایران و هند را تحت تاثیر قرار داده بود. به طور مثال پیشتر از این به واسطه فشار آمریکا پروژه «خط لوله گاز صلح» هم متوقف شده بود، هرچند این موضوع از دستور کار هندوستان خارج نشده است (دیپلماسی ایرانی، احتمال عقب نشینی دهلی نو از خرید نفت ایران در سایه عدم تمدید معافیت‌ها ۱۳۹۸). در دوره تحریم‌های پیشین آمریکا، هند یک حساب ویژه با ارز روپیه برای پرداخت ۴۵ درصد از پول نفت ایران دایر و مقرر نمود سالانه معادل ۴ میلیارد دلار در بانک دولتی «یوسی‌ا» هند واریز شود تحت این شرایط، هند اختیار دخل و تصرف منابع روپیه از ایران سلب و معین شد بخشی از منابع مالی روپیه به منظور صادرات محصولات کشاورزی (برنج، چای، کنجاله و...) در اختیار صادرکنندگان هندی قرار گیرد (دیپلماسی ایرانی ۱۳۹۷)

هند پس از اخذ معافیت دولت آمریکا برای خرید نفت ایران تعهد داد در طول مدت شش ماهه معافیت روزانه معادل ۳۰۰ هزار بشکه نفت از ایران وارد کند و نیمی از پول حاصل از این فروش به ارز محلی روپیه به حساب بانک‌های ایران نزد بانک‌های هندی



واریز کند. ایران نیز می‌توانست با آن کالاهای اساسی مانند غذا و دارو که مشمول تحریم‌های آمریکا نباشند خریداری کند. تسویه از طریق سفارت ایران در هند یا استفاده دانشجویان ایرانی در حال تحصیل در دانشگاه‌های هند، و سرمایه‌گذار شرکت‌های ایرانی در هند نیز دیگر روش‌های بازگرداندن پول نفت ایران بود (ایسنا ۱۳۹۷). موضوع خروج آمریکا از برجام میزان واردات نفت از ایران، فعالیت

۴-۲. آثار اقتصادی سیاست فشار حداکثری ترامپ علیه ایران

۴-۲-۱. خروج شرکت‌های خارجی از ایران

نفت محوری اقتصاد ایران با وابستگی حدود ۳۰ تا ۴۰ درصدی بودجه کشور به نفت از یک سو و سهم اندک ایران از تجارت جهانی در کنار نفوذ اقتصادی ایالات متحده و مبادلات بسیار گسترده با دیگر کشورهای جهان و متعاقب آن تلاش موسسات مالی، بانک‌ها و شرکت‌های کشورهای دیگر برای در امان ماندن از تحریم‌های ثانویه علیه ایران سبب شد تا فشار سنگین و قابل‌توجهی بر اقتصاد ایران تحمیل شود. یکی از آثار کوتاه مدت خروج آمریکا از برجام و موج اول تحریم‌ها، ترک بازار ایران توسط شرکت‌های خارجی بود. پس از انعقاد برجام شرکت‌های بزرگ غربی و شرقی وارد کشور شده بودند. اما بازگشت تحریم‌ها سبب شد تا از بسیاری شرکت‌های حوزه انرژی، بانکی، خودروسازی، مهندسی و مخابراتی، بیمه، حمل و نقل، هواپیمایی و... بازار ایران را ترک کنند. این شرکت‌ها شامل کمپانی‌های خارجی فعال در زمینه‌های نفت و گاز و انرژی و دیگر زمینه‌های اقتصادی بودند. که از جمله شامل شرکت انرژی نایارای هند، چنای پترلیوم هند، کرکوس بریتانیا، ساگای نیروژی، توپراس ترکیه، رویل داچ شل هلند، پرتامینای اندونزی، هلنیک پترلیوم یونان، توتال فرانسه، اینژی فرانسه، انی ایتالیا می‌شد که در پی خروج آمریکا از توافق برجام ایران را ترک کردند.

۴-۲-۲. نوسانات شدید نرخ ارز

نرخ ارز علاوه بر نقش سوء مدیریت های داخلی تحت تاثیر محرک های اقتصادی و سیاسی ناشی از سیاست «فشار حداکثری» دولت ترامپ در بدو ورود وی به کاخ سفید و پیش از خروج از برجام نوسانات شدیدی را تجربه کرد. در واقع پیش از اعلام خروج یکجانبه ایالات متحده از توافق هسته ای به دلیل مواضع پیشین وی انتظارات تغییر در سیاست خارجی آمریکا روند کاهش ارزش ریال آغاز شد. نخستین جهش نرخ ارز پس از روشن شدن نتایج انتخابات سال ۲۰۱۶ آمریکا و انتخاب دونالد ترامپ به عنوان رئیس جمهور آینده آمریکا مشاهده شد. در حالی که در بازار جهانی ارزش دلار افت کرد، نرخ هر دلار آمریکا در بازار آزاد ارز ایران با بیشترین ارزش در سه سال گذشته اش مواجه شد و ارزش آن به ۳۶۵۰۷ ریال رسید. این روند پس از خروج رسمی ایالات متحده از توافق با شتاب بیشتری ادامه یافت. در سایه این موضوع و فشار تحمیلی بر اقتصاد ایران، بازار ارز التهاب کم سابقه ای را تجربه کرد. این سقوط ارزش در حالی آغاز شد که نرخ تورم تک رقمی بود. (تابناک، انتخاب ترامپ دلار را در ایران گران کرد! ۱۳۹۵) (Mirzaei and Kandil 2018, 2) علاوه بر تاثیر عوامل اقتصادی و سیاسی فوق الذکر، بعد روانی در صعود بی سابقه نرخ ارز بی تاثیر نبود. در واقع این انتظار در اقتصاد ایران شکل گرفت که انتخاب ترامپ باعث در مخاطره قرار گرفتن توافق برجام و اختلال در ورود ارز به داخل شد. در این فضا، عواملی چون کاهش نرخ سود بانکی و هجوم به بازار ارز باعث شتاب گرفتن این روند شد. در همین برهه ارزش هر دلار آمریکا تا حدود ۱۹ هزار تومان پیش رفت. پس از فروکش کردن تقاضای ارز، کاهش التهابات روانی و اقدامات بانک مرکزی ارز ملی بخشی از ارزش خود را بازیافت. در مجموع ارزش پول ملی ایران ۶۰ درصد کاهش یافت. و تورم حدود ۳.۷ درصد و همچنین قیمت دارو و غذا ۴۰ تا ۶۰ درصد بالا رفت. (Deutsche Welle, How

Trump's sanctions are crippling Iran's economy 2019)

۴-۲-۳. کاهش سرمایه گذاری خارجی مستقیم

اعمال مجدد تحریم ها سرمایه گذاری مستقیم خارجی را هم تحت تاثیر قرار داد. گزارش سال ۲۰۱۹ «کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل» یا UNCTAD درباره سرمایه گذاری خارجی در کشورهای جهان، میزان سرمایه گذاری مستقیم خارجی در ایران در سال ۲۰۱۸ را ۳ میلیارد و ۴۸۰ میلیون دلار نشان می دهد، (UNCTAD 2019, 214)، این در حالی بود که میزان سرمایه گذاری مستقیم خارجی در ایران در سال ۲۰۱۷ به رقم ۵ میلیارد و ۱۹ میلیون دلار رسیده بود؛ بدین ترتیب میزان سرمایه گذاری خارجی در ایران در سال ۲۰۱۸ نسبت به سال پیش از آن حدود ۳۰ درصد کاهش یافت. در گزارش سال ۲۰۱۸ علت افزایش حدود ۵۰ درصدی سرمایه گذاری مستقیم در سال ۲۰۱۷ را حاصل گشایش پسابرجامی و جذب سرمایه شرکت های بزرگ چون «توتال» فرانسه، «سی ان پی سی» چین، «یونیت اینترنشنال» ترکیه و «زارویش» روسیه در بخش انرژی می دانست. (UNCTAD 2018, 47-48) ایران در سال ۲۰۱۴ بالغ بر ۲ میلیارد و ۱۰۵ میلیون دلار سرمایه گذاری مستقیم خارجی جذب کرد. این رقم در سال ۲۰۱۵ به ۲ میلیارد و ۵۰ میلیون دلار رسید. یکسال پس از انعقاد برجام این میزان به ۳ میلیارد و ۳۷۲ میلیون دلار افزایش پیدا کرد. سهم ایران از مجموع ۱۲۹۷ میلیارد دلار جذب سرمایه گذاری مستقیم جهان برابر با ۰.۲۶ درصد در سال ۲۰۱۸، (UNCTAD 2019, 212-214) و در سال ۲۰۱۷ از مجموع ۱۴۳۰ میلیارد دلار و سهم ایران معادل ۰.۳۵ درصد بوده است (UNCTAD 2018, 184-186). در پنج سال اخیر منابع: (UNCTAD 2018, 186) (UNCTAD, World Investment Report 2019, 214)

۴-۲-۴. تولید و صادرات نفت

برنامه «به صفر رساندن صادرات نفت ایران» هدف دیگر دولت ترامپ بود که در چارچوب راهبرد «فشار حداکثری» تعریف و در قالب موج دوم تحریم ها اعمال شد. از آنجایی که ایران دارای رتبه چهارم در میان کشورهای نفت خیز و صاحب دومین ذخایر گازی جهان است، و از سوی دیگر اقتصاد ایران وابسته به درآمدهای نفتی است در نتیجه «اهرم فشار» نفت بار دیگر مورد استفاده قرار گرفت تا فشار اقتصادی را به حداکثر

برساند. در ماه آوریل ۲۰۱۸ یک ماه پیش از خروج ایالات متحده از توافق هسته‌ای، ایران بیش از ۲.۵ میلیون بشکه نفت روزانه صادر کرده بود، در ماه می با خروج آمریکا از توافق صادرات ایران به ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار بشکه روزانه تنزل پیدا کرد. موج دوم تحریم‌های آمریکا علیه ایران شامل تحریم نفتی مساوی با کاهش چشمگیر درآمدهای دولت و ضربه سختی به اقتصاد تک محصولی ایران بود. (Deutsche Welle, How Trump's sanctions are crippling Iran's economy 2019)

۴-۲-۵. کسری بودجه

کاهش صادرات نفت در بودجه بندی دولت نمود پیدا کرده و کسری بودجه را افزایش داد. در لایحه بودجه سال ۱۳۹۸ قیمت هر بشکه نفت و میعانات گازی حدود ۵۴ دلار، متوسط نرخ برابری دلار حدود ۶۰۰۰ تومان (برای کالاهای اساسی ۴۲۰۰ تومان و سایر کالاها ۸۰۰۰ تومان)، صادرات نفت حدود ۱۶۳۵ میلیون بشکه در روز و گاز طبیعی حدود ۳.۴ میلیارد دلار فرض شده است. همچنین طبق این گزارش مجموع درآمدهای دولت ۲۲۱ هزار میلیارد تومان، در حالی که هزینه‌های دولت ۴۰۷ هزار میلیارد تومان برآورد شده بود. کسری بودجه دولت بدون احتساب درآمدهای نفتی و با در نظر گرفتن تحقق کامل درآمدها ۱۹۴ هزار میلیارد تومان و درآمدهای نفتی ۱۴۲ هزار میلیارد تومان بود که نتیجه آن ۱۴۲ هزار میلیارد تومان معادل ۲۳.۶ میلیارد دلار کسر بودجه در سال ۱۳۹۸ شد. (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، بررسی لایحه بودجه سال ۱۳۹۸ کل کشور ۱۳۹۸، ۱۹-۲۱)

۴-۲-۶. پیامدهای تحریم‌ها بر تورم، رشد اقتصادی و بیکاری

پس از اجرایی شدن دور جدید تحریم‌های نفتی از آبان ۱۳۹۷/ نوامبر ۲۰۱۸ به سرعت از میزان صادرات نفت ایران و به تبع آن میزان تولید نفت کشور کاسته شد. پیامد این کاهش صادرات برای اقتصاد نفتی ایران و سقوط نرخ رشد اقتصادی بود... شوک تحریم، مستقیماً بر کاهش صادرات نفت و کاهش تجارت خارجی و در نتیجه بر کاهش تولید اثر گذاشت. مرکز پژوهش‌های مجلس رشد اقتصادی سال ۱۳۹۸ را در بهترین حالت ۴.۵- درصد و در بدبینانه‌ترین حالت نرخ رشد را ۵.۵- درصد پیش‌بینی کرده بود (پایگاه خبری اتاق بازرگانی، اقتصاد ایران در سال ۹۷ و چشم‌انداز سال ۹۸ - رکود



اقتصادی-اقتصاد ایران در دام رکود؛ هشدار برای مرگ بنگاه‌ها (۱۳۹۸) خروج بسیاری از شرکت‌های بزرگ از بازار ایران باعث صعود بیکاری تا حدود ۱۲ درصد شد تا جائیکه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی هم نسبت به تهدید امنیتی ناشی از عدم اشتغال هشدار داد. در گزارش این مرکز پیش‌بینی شد چنانچه رشد اقتصادی کمتر از ۵ درصد باشد نرخ بیکاری ۲۶ درصد را در پی خواهد داشت (Deutsche Welle, How Trump's sanctions are crippling Iran's economy 2019) وضع دوباره تحریم‌ها هم بر تورم اثرگذار بوده و تا حدود ۴۰ درصد یا حتی بیشتر از آن در سال ۲۰۱۹ را ممکن می‌دانست (Barbuscia 2019)

الف؛ تورم

صندوق بین‌المللی پول در گزارش سالانه خود موسوم به «چشم‌انداز اقتصادی جهان» نرخ تورم ایران را تا پایان سال ۲۰۱۹ بیش از ۳۷ درصد تخمین می‌زد که بالاترین میزان تورم در ایران در ۲۵ سال گذشته اش بود. این در حالی است که نرخ تورم در ایران در سال ۲۰۱۷ و پس از رفع تحریم‌ها کمتر از ۱۰ درصد بود. اما با لغو تعلیق تحریم‌ها علیه ایران، نرخ تورم در این کشور افزایش قابل ملاحظه‌ای یافت. طبق این سند در سال ۲۰۱۸ نیز نرخ تورم در ایران از مرز ۳۰ درصد گذشته بود. این در حالی است که نرخ تورم در دیگر کشورهای منطقه تک رقمی می‌باشد. ارزیابی صندوق بین‌المللی پول نرخ تورم در ایران در سال ۲۰۲۰ را بیش از ۳۰ درصد پیش‌بینی کرده بود. (IMF 2019, 166)

ب؛ رشد اقتصادی

در بخش دیگری از گزارش در ۲۱۶ صفحه‌ای صندوق بین‌المللی پول آمار رشد اقتصادی کشورهای جهان گنجانده شده بود. بر اساس آمار منتشر شده از سوی این نهاد مالی بین‌المللی، نرخ رشد اقتصادی ایران در سال ۲۰۱۹ منفی ۶ درصد بود. در نتیجه، سیر نزولی رشد اقتصادی ایران برای دومین سال متوالی ادامه یافت. میزان کاهش شدید نرخ رشد اقتصادی ایران در سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ در حالی رخ داد که سال ۲۰۱۷ کشور رشد ۱۲ درصدی اقتصادی در سایه رفع تحریم‌ها تجربه کرده بود. ایران در

مقایسه با دیگر کشورهای خاورمیانه تنها کشوری است که در سال ۲۰۱۹ رشد منفی اقتصادی را تجربه می‌کرد. (IMF 2019, 161)

پ؛ افزایش بیکاری

طبق ارزیابی صندوق بین‌المللی پول از نرخ بیکاری در ایران در سال ۲۰۱۹ سیر صعودی داشت. بر اساس آمار منتشر شده از سوی این نهاد، نرخ بیکاری در ایران در سال ۲۰۱۸ معادل ۱۳.۹ بوده و در سال ۲۰۱۹ به بیش از ۱۵.۴ درصد رسید. طبق پیش‌بینی این گزارش در آن زمان، ایران میزان بیکاری بالای ۱۶ درصد را در سال ۲۰۲۰ تجربه خواهد کرد. در مقایسه با سایر کشورهای منطقه صادر کننده نفت ایران بالاترین نرخ بیکاری را دارا بود و پس از ایران، عراق با ۱۲،۶ درصد بیشترین میزان بیکاری را در منطقه داشت.

(World Data Atlas Iran Economy 2018) (IMF 2019, 50)

۴-۲-۷. محدودیت‌ها حوزه دارو و سلامت

تحریم‌های اعمالی علاوه بر تاثیر غیرمستقیم تحریم بواسطه کاهش ارزش پول ملی و تورم شدید که توان خرید دارو را تحت تاثیر قرار داده، به طور مستقیم تولید و واردات دارو و تجهیزات پزشکی را با اختلال مواجه ساخت تا جائیکه پس از اعمال مجدد تحریم‌ها واردات دارو ۸۰ درصد کاهش پیدا کرد. با وجود اینکه ایران بیش از ۹۰ درصد از داروهای اصلی مورد نیاز را تامین می‌کند اما در حوزه داروهای بیماری‌های خاص و تجهیزات پزشکی به شدت نیازمند واردات است. در این شرایط بانک و شرکت‌های خارجی برای دور ماندن از تحریم‌ها حتی در حوزه غذا و دارو قادر به همکاری با ایران نبودند. در این رابطه دکتر «آراسب احمدیان» رئیس بیمارستان کودکان «محک» که با کمک های خیریه حدود ۳۲ هزار کودک را تحت پوشش داشت در این رابطه می‌گوید: «بزرگترین نگرانی ما این است که راه‌های ارتباطی ما با جهان بیرون در حال بسته شدن است.» (ایسنا ۱۳۹۸) البته اعتراضات و انتقادات به این محدودیت سبب شد تا وزارت خزانه داری ویدئویی منتشر کند که در آن برایان هوک رئیس گروه «اقدام ایران» در وزارت خارجه آمریکا؛ اعلام می‌کند که تحریم‌ها دسترسی ایران به دارو را هدف قرار نداده و چنین امری کذب است. روی کاغذ چنین معافیتهی وجود دارد



اما در عمل قضیه متفاوت است. «جرارد آرد»^۱ سفیر فرانسه در ایالات متحده معتقد بود که بانک‌های خارجی از بیم تحریم‌ها از هرگونه رابطه تجاری حتی در حوزه دارو و غذا با ایران خودداری می‌کنند. سازوکار پرداخت اتحادیه اروپا یا اینستکس در فاز نخست با هدف تجارت کالاهای بشردوستانه راه اندازی شده بود که باعث بروز اختلاف بین آمریکا و اروپا شد. دولت ترامپ نه تنها قدمی در رابطه با معافیت چنین کالاهایی برنداشته بلکه در عمل تلاش‌های اروپا در این زمینه را با مشکل مواجه کرده و فضایی به وجود آورده که هیچ بانک خارجی حاضر به انجام تراکنش در این حوزه‌ها نبود (Azodi 2019). حتی دولت سوئیس مذاکرات مستقیم با دولت ترامپ با هدف برقراری کانال تجاری مستقیم برای محصولات غذایی و دارویی آغاز کرد، اما این تلاش سوئیس تحت فشار حداکثری و کارشکنی آمریکا به نتیجه نرسید (Kebriaeezadeh 2019) این موضوع در نهایت سبب شد تا دبیر کل سازمان ملل «آنتونیو گوترش» نسبت به تاثیر تحریم‌ها و محدودیت‌های بانکی ایران بر تولید، دسترسی و توزیع داروها، تجهیزات و لوازم پزشکی در ایران واکنش نشان دهد. سعید نمکی وزیر بهداشت دولت روحانی دران زمان نیز به «تودرو آدهانوم»^۲ دبیرکل سازمان جهانی بهداشت به شرح ماجرا پرداخت. (ایرنا ۱۳۹۸)

۴-۲-۸. چالش دریافت کمک‌های بشردوستانه و غذا

در روزهای پایانی سال ۱۳۹۷ و ابتدایی سال ۱۳۹۸ بارش‌های مستمر و سیل ۷۰ درصد کشور، ۲۸ استان، ۲۶۹ شهر و ۵۱۰۰ روستا را در معرض بحران و خسارت قرار داد. در این مدت بخشهای زیرساختی، مسکن، راههای ارتباطی و تجهیزات مخابراتی بسیاری از این نواحی آسیب دید و در برخی نقاط به طور کاملاً از بین رفت. سازمان مدیریت بحران میزان خسارات را تنها تا ۱۸ روز نخست سال ۱۳۹۸ را ۱۵ هزار میلیارد تومان محاسبه کرد. پیامدهای این فجایع سبب شد تا رئیس جمهور در صدد برداشت دو میلیارد یورو از صندوق توسعه ملی برآید. در همین هنگام همزمان با انعکاس اخبار مرتبط با فجایع سیل ایران کمک‌های داخلی و متعاقب آن مساعدت‌های بین‌المللی به

^۱ Gérard Araud

^۲ Tedros Adhanom

تدریج آغاز شد و نقش مخرب تحریم‌های آمریکا بار دیگر آشکار شد. تحریم‌ها سبب شد تا دسترسی نهادهای بشردوستانه و غیردولتی به کمک‌های بین‌المللی قطع شود. تحریم‌های ایالات متحده و امتناع نهادهای مالی و بانک‌های بین‌المللی از برقراری روابط تجاری با تخلیه کشتی‌های مواد غذایی را دچار مشکل ساخته بود به طوری که در شش ماهه نخست سال ۱۳۹۷ تخلیه و بارگیری غیرنفتی در بنادر کشور نسبت به مدت مشابه در سال ۱۳۹۶، ۹.۲ درصد کاهش یافت. خبرگزاری رویترز در مطلبی به تشریح چالش تخلیه بار کشتی‌های حامل غلات در بنادر ایران پرداخت و گزارش داد که ۲۰ کشتی حامل حدود یک میلیون تن غله به دلیل مشکل پرداخت نمی‌توانند بار خود را تخلیه کنند. بیش از یک ماه این کشتی‌ها حامل غلات از جمله سویا و ذرت خارج از بندر امام خمینی و بندرعباس متوقف شده بودند. تاخیر در تخلیه محموله تا حدود روزانه ۱۵ هزار دلار هزینه اضافی به دلیل این تاخیر پرداخت بر ایران تحمیل کرد. معامله‌گران و بازرگانان تمایلی به تجارت بیشتر با ایران نداشتند چرا که باید ماه‌ها منتظر دریافت وجه باشند. در نتیجه تعداد بانک‌ها و بازرگانانی که حاضر به همکاری با ایران نبودند افزایش یافت. (Saul and Hafezi 2019)

۴-۲-۹. آثار بر منابع زیست محیطی

ایران به عنوان کشوری در حال توسعه و اقلیم خشک و نیمه با چالش‌های زیست محیطی چون خشکسالی، کم‌آبی، آلودگی شدید هوا در کلان‌شهرها و پدیده‌های نوظهوری مانند گردوغبار دست و پنجه نرم می‌کند. مواجهه با چالش‌های بزرگی از این دست نیازمند منابع مالی و تکنولوژیک گسترده‌ایست که تحت تحریم از کیفیت و سرعت دسترسی به این منابع کاسته شده بود. (دیپلماسی ایرانی ۱۳۹۲). کمبود منابع مالی در مقابله با بحران‌های زیست‌محیطی با تحریم‌های بانکی در ایران تشدید شد. کاهش رشد اقتصادی، تعطیلی شمار زیادی از واحدهای تولیدی و صنعتی، مسدود شدن منابع مالی ایران در بانک‌های خارجی و قطع دسترسی ایران به سیستم بانکی بین‌المللی سبب شد تا دولت ایران منابع مالی کمتری برای سرمایه‌گذاری در بهبود زیرساخت‌های زیست‌محیطی داشته باشد (هفته‌نامه تجارت فردا ۱۳۹۵) در این شرایط منابع باقی‌مانده و تمرکز صرف نیازهای ابتدایی و ضروری شد. بهره‌برداری نادرست از منابع طبیعی و



روشهای آسیب‌زا افزایش یافت (دیپلماسی ایرانی ۱۳۹۲). آلودگی کلان‌شهرهای ایران ناشی از مشکلات اقتصادی، محدودیت واردات بنزین و نبود برخی زیرساخت‌ها یا تحریم صنعت کشتیرانی و قطع همکاری برخی سازمانهای دریایی بین‌المللی و کاهش ایمنی و ازدیاد حوادث و آلودگی دریایی شد. (مشهدی و رشیدی ۱۳۹۳، ۱۰۵-۱۰۷) تولید خوردوهای آلاینده و با مصرف سوخت بالا و استفاده از ناوگان فرسوده، در کاهش کیفیت محصولات صنایع نفت و پتروشیمی، کاهش میزان استفاده از گازهای سازگار با «لایه ازن» در صنایع برودتی و صنایع وابسته شتاب روند تخریب لایه ازن و... بخشی از پیامدهای منفی تحریم بر محیط قلمداد می‌شوند. (دیپلماسی ایرانی ۱۳۹۲) حال آنکه حفظ و ارتقای سطح کیفی محیط زیست نیازمند برخورداری از فناوری‌های پاک بوده و داشتن زیرساخت‌های مناسب و دسترسی به فناوری‌های روز لازمه تحقق این امور است.

الف- کیفیت خودرو و بنزین

تحریم‌ها باعث تاخیر در خودروهای داخلی برای رسیدن به استاندارد یورو-۴ شد. کیفیت خودروهای داخلی به دلیل محدودیت واردات در قطعه‌ها کاهش یافت. استفاده نکردن از قطعات استاندارد در تولید و مونتاژ خودروهای ساخت داخل باعث شد تا ۸۰ درصد آلودگی کلان‌شهرها ناشی از این روند افزایش پیدا کند. بر اساس قانون برنامه چهارم توسعه، خودروهای تولیدی می‌بایست تا پایان این برنامه استاندارد یورو-۴ را دریافت می‌کردند اما پس از پایان برنامه پنجم توسعه خودروهای ایرانی استاندارد یورو-۲ داشتند (ایرنا ۱۳۹۴).

ایران ۴۰ درصد از سوخت مصرفی خود را از طریق واردات تامین می‌کرد. پس از اعمال تحریم‌ها واردات این محصولات ۷۵ درصد کاهش یافت. نتیجه آن آغاز پالایش و تولید در پالایشگاه‌های فاقد زیرساخت‌های کافی بود. در این برهه اینکه پالایشگاه‌های ایران از فناوری لازم و قابلیت تولید بنزین با کیفیت استانداردهای جهانی برخوردار نبودند در این شرایط اقدام به تولید بنزین نمودند که استفاده از آن باعث افزایش چشمگیر ذرات معلق و آلاینده‌ها در شهرهای بزرگ شد. در واقع با توقف واردات بنزین روند آلودگی

هوا صعودی شد (اسدی ۱۳۹۴) در این دوره میزان استفاده از ترکیب سرطانزا و آلاینده «بنزن» در بنزین افزایش یافت (ایرنا ۱۳۹۴).

ب- چالش در برنامه‌های حمایتی از گونه‌های در حال انقراض

تحریم‌ها؛ حمایت مالی برنامه‌های حفاظت از تنوع زیستی را به تبع محدودیت همکاری بین‌المللی و تبادل دانش و مهارت کاهش می‌دهد. تحریم‌ها عامل اولیه مشکلات تنوع زیستی در ایران نبوده و به صورت مستقیم هم منجر به انقراض گونه‌ها نمی‌شود اما آنها چالش‌های ناشی از تحریم‌ها که مانند یک عامل شتاب‌بخش مشکلات زیست‌محیطی عمل می‌کنند و احتمال انقراض گونه‌ها را افزایش می‌دهد. کشور ایران دارای بیشترین تنوع زیستی در غرب آسیا است؛ اکوسیستم ایران شامل ۱۹۲ گونه پستاندار، بیش از ۸ هزار گونه گیاه، بیش از هزار گونه ماهی و بالای ۵۰۰ نوع پرنده است. از میان این تعداد ۱۱۱ گونه حیوانی و ۱۶۵ گونه گیاهی این کشور در لیست قرمز گونه‌های در حال انقراض قرار دارند. در میان این‌ها گونه یوزپلنگ آسیایی بیش از دیگران در خطر انقراض است که طبق تخمین کارشناسان تنها ۵۰ مورد از این گونه در حال انقراض در ایران وجود دارد. تحریم‌ها روی بودجه حفاظت از تنوع زیستی تاثیر می‌گذارد و باعث می‌شود بسیاری از برنامه‌هایی که برای محافظت از این گونه حیوانی وجود دارد به دلیل نبود منابع مالی داخلی و کمک‌های مالی خارجی قابل اجرا نیستند در این میان محدودیت مسافرتی اعمال شده به ایران نیز محدودیت سفر محققین و متخصصان این حوزه چالش‌های خاص خود را در پی داشت. در نتیجه این شرایط ممکن است یوزپلنگ آسیایی با شتاب بیشتر به سوی انقراض پیش رود. به عنوان نمونه در سال ۲۰۱۴ آمریکا ۷.۶ میلیون دلار حمایت مالی «موسسه جهانی محیط زیست» به ایران اختصاص داده بود را بلوکه کرد. برنامه حفاظت از تنوع زیستی یکی از پروژه‌هایی که قرار بود ایران آن را در بین سال‌ها ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰ با استفاده از این تسهیلات اجرا کند. پیش از این هم این موسسه در پروژه‌های حفاظت از تنوع زیستی ایران از جمله پروژه‌های حفاظت از یوزپلنگ ایرانی ۴ میلیون دلار اختصاص داده بود. (Walker 2019)

نتیجه‌گیری

اقدام غیرقانونی دولت ترامپ مبنی بر خروج یکطرفه از توافق مشکلاتی بر کشور تحمیل کرد. بهبود نسبی فضا و ورود شرکت‌های بزرگ که پس از انعقاد برجام اتفاق افتاد در پی خروج دولت ترامپ با چالش مواجه شد و به تدریج بسیاری از شرکت‌ها فعالیت خود را متوقف کرده و از کشور خارج شدند. نوسانات شدید در ارزش پول ملی، کاهش سرمایه‌گذاری، افزایش تورم و... پیامدهای منفی اقتصادی بود که در نتیجه فشارهای اقتصادی با اهداف گوناگون (چون شورش، فروپاشی اقتصادی و تغییر نظام) بر ایران تحمیل شد. در این فضا، راه بهره‌مندی ایران از مزایای تعلیق تحریم‌ها مسدود شد. با توجه به وابستگی اروپایی‌ها به اقتصاد آمریکا اروپایی‌ها به عنوان طرف برجام در انجام تعهدات موفق نبودند. به طور طبیعی در چنین وضعیتی، کشورهای چین، روسیه و هند در قالب راهبرد نگاه به شرق بار دیگر مورد توجه قرار گرفتند و در ادامه آن رفت و آمدهای دیپلماتیک گسترده صورت گرفت. علی‌رغم سیاست‌های اعلامی این کشورها سطح روابط تجاری و سیاسی ایران با آنان نیز تحت تاثیر روابط ایران و آمریکا کاهش یافت. اما مباحث همکاری‌های دفاعی و نظامی علیرغم برخی پیشرفت‌هایی حاصل شد که رزمایش مشترک ایران، چین و روسیه نیز نمود آن بود. پس از بازگشت تحریم‌ها، اقتصاد کشور به خصوص به علت محدودیت در مراودات مالی دستخوش تغییرات و فراز و فرودهای متعددی شده بود. اما در این مابین آمریکا عرضه دارو و تامین داروهای مورد نیاز بیماران خاص را با مشکل مواجه کرده بود. با وجود اینکه ۹۷ درصد داروهای مورد نیاز بیماران در داخل کشور تامین می‌شد اما تامین داروهای بیماران خاص و مواد اولیه را در برهه‌ای دچار مشکل ساخت. افزایش قیمت‌های داروها و بویژه داروهای بیماران خاص نیز رخداد دیگر بود. در بحث محیط زیست نیز سبب وقفه‌هایی شد. برخی چالش‌های زیست محیطی چون مبحث دارو در برخی حوزه‌ها نیاز به واردات تجهیزات وجود داشت و تحریم‌ها واردات را با مشکل مواجه ساخت. عدم دسترسی به کمک‌های نقدی و انسان دوستانه نهادهای خارجی در زمان حوادث طبیعی چون سیل و ... چالش دیگر در این بخش‌ها بود.

- Alterman, Jon B. (2019). Punishing Iran Is Not a Strategy. February 21. <https://www.csis.org/analysis/punishing-iran-not-strategy>.
- Batrawy, Aya. 2019. Pompeo in Mideast talks on building a coalition against Iran. June 25. <https://www.apnews.com/cf67b367c4164d4885ce14a3126eaa2d>.
- Brands, Hal (2018). America Grand Strategy in the Age of Trump. Brookings Institution Press, January 16.
- Chiacu, Doina, Makini Brice, Jonathan Oatis, and James Dalglish. (2019). Trump denies U.S. plan to send 120,000 troops to counter Iran threat. May 14. <https://www.reuters.com/article/us-usa-iran-military/trump-denies-us-plan-to-send-120000-troops-to-counter-iran-threat-idUSKCN1SK1YM>.
- Cole, Brendan. (2018). Mike Pompeo Says Iran Must Listen to U.S. 'If They Want Their People to Eat'. November 9. <https://www.newsweek.com/mike-pompeo-says-iran-must-listen-us-if-they-want-their-people-eat-1208465>.
- Daragahi, Borzou. (2018). US struggles to find footing on Yemen, as Iran increases influence. November 30. <https://www.independent.co.uk/news/world/middle-east/us-yemen-civil-war-iran-influence-saudi-arabia-bombing-trump-weapons-houthis-rebels-a8661546.html>.
- De Luce, Dan, and Abigail Williams. 2019. Trump admin slaps new restrictions on Iran's nuclear activities. May 4. <https://www.nbcnews.com/politics/national-security/trump-admin-slaps-new-restrictions-iran-s-nuclear-activities-n1001861>.
- Eiland, Giora. (2018). Weakening Iran by targeting Hezbollah. December 7. <https://www.ynetnews.com/articles/0,7340,L-5421134,00.html>.
- Evansky, Ben. (2019). UN Security Council condemns attacks on oil tankers, but not Iran. June 24. <https://www.foxnews.com/world/un-security-council-condemns-attacks-oil-tankers-not-iran>.
- Evans, Peter. (28 October, 2017). "Behind Trump's Rhetoric of Economic Nationalism," *Global Dialogue* 7, 4 (Online). Available at: <https://globaldialogue.isa-sociology.org/behind-trumps-rhetoric-of-economic-nationalism> (Accessed 2 November 2021).
- Fattah, Zainab, and Bloomberg. (2019). U.S. Navy Says It Has Proof Iran Was Involved in Oil Tanker Attacks. June 19. <https://fortune.com/2019/06/19/iran-attacks-oil-tankers/>.
- Gaouette, Nicole, Donna Borak, and Kylie Atwood. 2019. US signals it may block France's Iran plan as it offers millions to tanker captains to impound Iranian oil. September 5. <https://edition.cnn.com/2019/09/04/politics/us-iran-reward-sanctions/index.html>.
- Gaurdian. (2019). Iran tensions: 1,500 US troops head to Middle East as Trump seals \$7bn Saudi arms sale. May 25.

- <https://www.theguardian.com/us-news/2019/may/24/us-military-new-troop-middle-east-iran-trump>.
- Gause, Gregory. 2017. Policy Series: The Trump Administration and the Middle East. August 14. https://issforum.org/roundtables/policy/1-5av-middleeast#_ftn35.
- GlobalSecurity. (2017). Cold War - Rollback. September 19. <https://www.globalsecurity.org/military/ops/cold-war-rollback.htm>.
- Gulf News. 2018. Hezbollah must put Lebanon over Iran. November 17. <https://gulfnews.com/opinion/editorials/hezbollah-must-put-lebanon-over-iran-1.60404709>.
- Hassan, Falih, Megan Specia, and Rick Gladstone. 2019. Pompeo Makes Unscheduled Trip to Iraq to Press U.S. Concerns About Iran. May 7. <https://www.nytimes.com/2019/05/07/world/europe/pompeo-cancels-berlin.html>.
- Helleiner, Eric. (2021). "The Diversity of Economic Nationalism," *New Political Economy* 26, 2: 229-238, <DOI: 10.1080/13563467.2020.1841137>.
- Karsten, Jashua. 2019. USS Boxer arrives in 5th Fleet waters amid tensions with Iran. June 24. <https://www.stripes.com/news/uss-boxer-arrives-in-5th-fleet-waters-amid-tensions-with-iran-1.587372>.
- Kennedy, Kelly. (2019). Trump vetoes congressional resolution on US role in Yemen. April 21. <https://theArabweekly.com/trump-vetoes-congressional-resolution-us-role-yemen>.
- Litwak, Robert S. (2007). *Regime Change: U.S. Strategy Through the Prism of 9/11*. Baltimore: Johns Hopkins University Press.
- MacDonald, Alex. 2019. Unknown group claims Baghdad rocket attack as retaliation for Trump soldier pardon. May 21. <https://www.middleeasteye.net/news/militants-claims-baghdad-rocket-attack-retaliation-over-trump-pardoning-us-soldier>.
- Moore, Mark. (2019). US 'may have brought down' second Iranian drone in Strait of Hormuz . July 23. <https://nypost.com/2019/07/23/us-may-have-brought-down-second-iranian-drone-in-strait-of-hormuz/>.
- Rasheed, Ahmed, and John Davison Pompeo, Michael R. 2018. *Confronting Iran: The Trump Administration's Strategy*. October 15. <https://blogs.state.gov/stories/2018/10/31/en/confronting-iran-trump-administrations-strategy>.
- Reuters. (2018). Market can cope with push for zero Iranian oil sales, says U.S. envoy. October 15. <https://uk.reuters.com/article/uk-iran-nuclear-usa/market-can-cope-with-push-for-zero-iranian-oil-sales-says-u-s-envoy-idUKKCN1MP1IS>.
- Rezaian, Jason. (2019). The State Department has been funding trolls. I'm one of their targets. June 4. <https://www.washingtonpost.com/opinions/2019/06/04/state-department-has-been-funding-trolls-im-one-their-targets/>.
- Rosenau, James N. (1971). *The Scientific Study of Foreign Policy*. New York: The Free Press.

- Riotta, Chris. (2019). Trump administration providing 'false' information about Gulf of Oman attack, says Japanese tanker owner.
- Sanderson, Daniel. 2019. UAE says four cargo vessels 'sabotaged' off Fujairah coast. May 12. <https://www.thenational.ae/uae/uae-says-four-cargo-vessels-sabotaged-off-fujairah-coast-1.860279>.
- Schake, Kori. 2018. Trump's Syria Strategy Actually Makes Sense. April 6. <https://www.theatlantic.com/international/archive/2018/04/trump-syria/558077/>.
- Schmitt, Eric, and Alissa J. Rubin. (2019). Trump Calls for Keeping Troops in Iraq to Watch Iran, Possibly Upending ISIS Fight. February 3. <https://www.nytimes.com/2019/02/03/us/politics/trump-iraq-troops-syria-iran.html>.
- Shepp, Jonah. (2018). Trump's Iran Strategy: Regime Change on the Cheap. July 30. nymag.com/intelligencer/2018/07/trumps-iran-strategy-regime-change-on-the-cheap.html?utm=bottom&utm=top.
- Slater, Alice. 2018. The US Has Military Bases in 80 Countries. All of Them Must Close. January 24. <https://www.thenation.com/article/the-us-has-military-bases-in-172-countries-all-of-them-must-close/>.
- Smith, Jordan Michael. 2019. How Voice of America Persian Became a Trump Administration PR Machine. August 13. <https://theintercept.com/2019/08/13/trump-voa-persian/>.
- Smolenski, Jan, and Virginia Pietromarchi. 2019. US-led Middle East conference in Warsaw: All you need to know. February 13. <https://www.aljazeera.com/indepth/features/led-middle-east-summit-warsaw-190212230343271.html>.
- Sprout, Harold and Margaret Sprout (1957) "Environmental Factors in Study of International Politics". *The Journal of Conflict Resolution*. 1 (4): 309-328.
- Stone, Richard. (2019). New U.S. sanctions put spotlight on Iranian research institute. March 25. - <https://www.sciencemag.org/news/2019/03/new-us-sanctions-put-spotlight-iranian-research-institute>.
- Strobel, Warren P., and Dion Nissenbaum. (2019). U.S. Arranges Secret Talks Between Israel, U.A.E. Over Iran. August 15. <https://www.wsj.com/articles/u-s-arranges-secret-talks-between-israel-u-a-e-over-iran-11565870404>.
- Thompson, Jack. (2018). Trump's Middle East Policy. Analysis, Zurich: Center for Security Studies.
- Times of Israel. (2018). Trump imposes new sanctions on Hezbollah, promises more against Iran. October 26. <https://www.timesofisrael.com/trump-imposes-new-hezbollah-sanctions-promises-more-against-iran/>.
- Wadhams, Nick. (2018). Pompeo Sets Up 'Iran Action Group' to Press Sanctions Campaign. August 17. <https://www.bloomberg.com/news/articles/2018-08-16/pompeo-sets-up-iran-action-group-to-press-sanctions-campaign>.
- Wadhams, Nick, and Javier Blas. (2018). The Iran Action Group Puts Muscle Behind Trump's Iran Bluster. October 4.

<https://www.bloomberg.com/news/articles/2018-10-04/the-iran-action-group-puts-muscle-behind-trump-s-iran-bluster>.

Wahid Hanna, Michael, and Thanassis Cambanis. (2019). Trump's Iraq Strategy Is Foolish. February 14. <https://www.foreignaffairs.com/articles/iraq/2019-02-14/trumps-iraq-strategy-foolish>.

Wroughton, Lesley, and Humeyra Pamuk. (2019). U.S. to end all waivers on imports of Iranian oil, crude price jumps. April 22. <https://www.reuters.com/article/us-usa-iran-oil/us-to-end-all-waivers-on-imports-of-iranian-oil-crude-price-jumps-idUSKCN1RX0R1>.

۳۵۰



سیاست جهانی

فصلنامه علمی سیاست جهانی، دوره دهم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۰، پیاپی ۳۷